MEJDS. 2022; 12:181.

Published online 2022 Dec. **Original Article**

# Comparing the Effectiveness of Choice Theory Training and Exploration Philosophy on Responsibility and Self-efficacy of Working Children in Rasht City, Iran

Jamali SK[1], *Kafi SM[2], Abolghasemi A[2], Akbari B[3]

**Author Address**
1. PhD Student, Department of Psychology, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran;
2. Professor, Department of Psychology, University of Guilan, Faculty of Humanities, Rasht, Iran;
3. Professor, Department of Psychology, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran.
**Corresponding author Email**: mosakafie@yahoo.com

**Received:** 2022 June 23; **Accepted:** 2022 November 18

**Abstract**

**Background & Objectives:** It is very important to pay attention to children as potential assets of society. Working children are among the most at–risk groups because they are at greater psychological and physical risk than other groups and need more support. Considering that child labor is one of the most important social harms that reports about it are published every day, it is crucial to conduct research to find the main problems of these children, including improving self–efficacy and responsibility. Philosophy for children has clear cognitive goals. It forces the mind to act, and it does so through the challenges of principled thinking and structured interaction. On the other hand, according to the principles of choice theory, people can be helped to make better choices in order to experience pleasant feelings and efficient behavior. So, this study aimed to compare the effectiveness of choice theory training and exploratory philosophy on the responsibility and self–efficacy of working children.
**Methods:** The current research method was quasi–experimental with a pretest–posttest design and a control group. The statistical population of the present study includes all working children aged 12 to 14 years living in Rasht City, Iran in 2020–2021. The statistical population comprised 120 people. The statistical sample of the study was 30 children who were selected as qualified volunteers by the accessible sampling method. After confirming and signing the consent form to participate in the research, they were randomly assigned to 3 groups: the experimental group of choice theory (10 children), the experimental group of exploration philosophy (10 children), and the control group (10 children). The inclusion criteria were as follows: subject's consent to participate in the study, aged 12 to 14 years, and studying. The exclusion criteria were as follows: the subject's lack of consent to participate or continue to attend the study, lack of suitable physical or mental conditions to complete answering the questionnaires, and failure to complete the questionnaires in a way that has a negative effect on the results. All three groups responded to the Personal Responsibility Scale for Adolescents (Mergler and Shield, 2016) and General Self–Efficacy Scale (Schwarzer and Jerusalem, 1995) in the pretest and posttest stages. Implementation of selection theory training was in 8 sessions of 1.5 hours, one session per week. The implementation of the program of teaching exploration philosophy to children was in 10 sessions of 1.5 hours, one session per week. To analyze the data, in addition to the use of central tendency indices and dispersion indices as descriptive statistics, inferential statistics were used, including covariance analysis and the Bonferroni post hoc test at a significant level of 0.05 via SPSS software version 23.
**Results:** The results showed that therapeutic interventions based on selection theory and exploration philosophy increased the self–efficacy ($p$<0.001) and responsibility ($p$<0.001) of the experimental groups compared to the control group. There was a significant difference between the effectiveness of treatment based on choice theory and the treatment of exploration philosophy on increasing the self–efficacy of child labor ($p$<0.001). However, no significant difference was observed between the effectiveness of the mentioned therapeutic interventions on increasing the responsibility of child labor ($p$=0.686).
**Conclusion:** According to the research findings, the selection theory method has the strongest effect on the self–efficacy of working children but selection theory teaching and exploratory philosophy teaching have the same effect on the responsibility of these children.
**Keywords:** Choice theory teaching, Exploratory philosophy teaching, Accountability, Self–efficacy, Working children.

[ Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2025-07-15 ]

Copyright © 2022, MEJDS. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

مجله مطالعات ناتوانی ۱۴۰۱؛ (۱۲):۱۸۱.

انتشار برخط آذرماه ۱۴۰۱ مقاله پژوهشی اصیل

# مقایسهٔ اثربخشی آموزش تئوری انتخاب و فلسفهٔ کندوکاو بر مسئولیت‌پذیری و خودکارآمدی کودکان کار ۱۲تا۱۴ سال رشت

سیده‌خدیجه جمالی[۱]، *سیدموسی کافی[۲]، عباس ابوالقاسمی[۲]، بهمن اکبری[۳]

**توضیحات نویسندگان**

۱. دانشجوی دکتری، گروه روان‌شناسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران؛

۲. استاد، گروه روان‌شناسی، دانشگاه گیلان، دانشکدهٔ علوم انسانی، رشت، ایران؛

۳. استاد، گروه روان‌شناسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.

***رایانامهٔ نویسندهٔ مسئول:** mosakafie@yahoo.com

**تاریخ دریافت:** ۲ تیر ۱۴۰۱؛ **تاریخ پذیرش:** ۲۷ آبان ۱۴۰۱

**چکیده**

**زمینه و هدف:** کودکان کار درمقایسه با سایر گروه‌ها درمعرض خطر بیشتر روانی و جسمی قرار دارند و نیازمند حمایت‌های بیشتری هستند. پژوهش حاضر با هدف مقایسهٔ اثربخشی آموزش تئوری انتخاب و فلسفهٔ کندوکاو بر مسئولیت‌پذیری و خودکارآمدی کودکان کار ۱۲تا۱۴ سال شهر رشت انجام گرفت.

**روش‌بررسی:** روش این مطالعه، نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون همراه با گروه گواه بود. جامعهٔ آماری پژوهش را تمامی کودکان کار در شهرستان رشت در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ تشکیل دادند. سی نفر از کودکان کار واجد شرایط داوطلب به‌روش دردسترس وارد مطالعه شدند و به‌صورت تصادفی در سه گروه آموزش تئوری انتخاب (n=۱۰) و آموزش فلسفهٔ کندوکاو (n=۱۰) وگواه (n=۱۰) قرار گرفتند. هر سه گروه در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون به مقیاس مسئولیت‌پذیری شخصی برای نوجوانان (مرگلر و شیلد، ۲۰۱۶) و مقیاس خودکارآمدی شوارزر و جروسالم (شوارزر و جروسالم، ۱۹۹۵) پاسخ دادند. آموزش تئوری انتخاب در هشت جلسهٔ یک‌ونیم‌ساعته و هفته‌ای یک جلسه و آموزش فلسفه به کودکان در ده جلسهٔ یک‌ونیم‌ساعته و هفته‌ای یک جلسه بود. داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس و آزمون تعقیبی بونفرونی در سطح معناداری ۰/۰۵ به‌کمک نرم‌افزار SPSS نسخهٔ ۲۳ تحلیل شد.

**یافته‌ها:** نتایج نشان داد، مداخله‌های درمانی مبتنی‌بر تئوری انتخاب و فلسفهٔ کندوکاو موجب افزایش خودکارآمدی و مسئولیت‌پذیری گروه‌های آزمایش درمقایسه با گروه گواه شد ($p$<۰/۰۰۱). بین اثربخشی درمان مبتنی‌بر تئوری انتخاب و درمان فلسفهٔ کندوکاو بر افزایش خودکارآمدی کودکان کار تفاوت معنادار وجود داشت ($p$<۰/۰۰۱)؛ اما بین اثربخشی مداخله‌های درمانی مذکور بر افزایش مسئولیت‌پذیری کودکان کار تفاوت معنادار مشاهده نشد ($p$=۰/۶۸۶).

**نتیجه‌گیری:** باتوجه به یافته‌های پژوهش، روش آموزش تئوری انتخاب دارای اثربخشی بیشتری بر میزان خودکارآمدی کودکان کار است؛ اما دو روش آموزشی اثر یکسانی بر مسئولیت‌پذیری کودکان کار دارد.

**کلیدواژه‌ها:** آموزش تئوری انتخاب، آموزش فلسفهٔ کندوکاو، مسئولیت‌پذیری، خودکارآمدی، کودکان کار.

**حق انتشار محفوظ است © ۱۴۰۱، مجله مطالعات ناتوانی**. این یک مقاله با دسترسی آزاد است که تحت مجوز اختیار_غیرتجاری ۴/۰ بین‌المللی (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.fa) منتشر شده است که به شما اجازه می‌دهد که مواد منتشر شده در این مقاله را با شرط ارجاع مناسب به نسخهٔ اصلی، به‌طور غیرتجاری نسخه‌برداری و توزیع کنید.



[ Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2025-07-15 ]

## ۱ مقدمه

دورهٔ کودکی از دوره‌های مهم‌تر زندگی بشر است. شخصیت انسانی در دورهٔ کودکی شکل می‌گیرد و این تحول در دوره‌های بعدی کامل می‌شود. زندگی بهداشتی و اجتماعی بسیاری از کودکان چنان است که دستیابی به چنین هدفی را دشوار و گاه ناممکن می‌سازد (۱). یکی از مشکلاتی که کودکان را در جوامع درحال‌توسعه تهدید می‌کند، پدیدهٔ کودکان کار[1] است. این کودکان باتوجه به شرایط خاص زندگی‌شان از ابراز نقش مناسب سن خویش محروم هستند؛ بنابراین در زمرهٔ اقشار آسیب‌پذیرتر جامعه قرار دارند (۲). آمار کودکان کار ایران بین ۳تا۷میلیون عنوان شده است؛ اما به‌دلیل اینکه اغلب کودکان کار هیچ‌گونه ثبت هویتی ندارند، نمی‌توان آمار دقیقی در این زمینه ارائه کرد (۳). کودکان کار توسط یونیسف این‌گونه تعریف می‌شوند: «همهٔ کودکانی که به‌دلیل نبود والدین یا نظارت‌نداشتن آن‌ها علاقه‌ای به درس‌خواندن و گذراندن وقت در خانه ندارند و به‌ناچار در خیابان کار و زندگی می‌کنند» (۴).

کار در محیط‌های نامناسب سبب می‌شود که کودکان کار درمعرض آسیب‌های جسمی زیادی قرار بگیرند. کودکان کار علاوه‌بر آسیب‌های جسمی با آسیب‌های غیرجسمی که معمولاً برگشت‌ناپذیر است، روبه‌رو هستند (۵). نیکولا و کاسوف با ارزیابی تأثیر کار کودکان بر سلامت کودکان در برزیل نشان دادند، کار کودکان با وضعیت سلامتی کودک رابطهٔ منفی دارد و هرچه ساعت کار بیشتر باشد، وضعیت بهداشتی کودک بدتر است (۶). آرانسیولا و جاستوس با هدف بررسی خطر کار کودکان بر سلامت روان، ادعا کردند که تأثیر کار کودکان از سلامت جسمی بر سلامت روان افراد فراتر می‌رود (۷).

مقابله با چالش‌ها بخش جدایی‌ناپذیر زندگی است؛ اما باتوجه به سطح مسئولیت‌پذیری[2] ، توانایی افراد برای مقابله با این چالش‌ها بسیار متفاوت است. مسئولیت‌پذیری، یعنی پاسخ‌گویی به نیازهای خود و دیگران و انجام وظایف فردی و اجتماعی به بهترین نحو (۸). هر فرد برای نیازهای پنج‌گانهٔ خود که شامل بقا و زنده‌ماندن، عشق و احساس، تعلق، آزادی، قدرت و پیشرفت و تفریح است، تصاویری را در ذهن خود به‌وجود می‌آورد که گلاسر آن را آلبوم تصاویر شخصی می‌نامد. از نظر گلاسر، فقدان مسئولیت‌پذیری و ارضای نیازهای پنج‌گانه و وجود هویت شکست موجب افسردگی می‌شود (۹). گلاسر مسئولیت‌پذیری را توانایی فرد در برآورده‌کردن نیازهای خود می‌داند؛ البته به‌شیوه‌ای که مانع برآورده‌شدن نیازهای دیگران نشود (۱۰)؛ بنابراین شخصی مسئولیت کاری را عهده‌دار می‌شود که تعدادی از فعالیت‌ها و وظایف را به‌درستی انجام دهد یا بر انجام این وظایف توسط دیگران، نظارت و دقت کافی داشته باشد (۱۱). به‌اعتقاد گلاسر، شکست در برآوردن نیازهای اولیه، تجربه‌ای رایج است؛ چراکه واقعیت همیشه با افراد سازگار نیست (۱۰)؛ اما برخی از اشخاص زمانی که نمی‌توانند نیازهایشان را برآورده کنند، به‌جای پذیرش مسئولیت و یافتن راهی مؤثر برای ارضای نیازهای خود و مسئولانه عمل‌کردن برای تأمین این نیازها، رفتار غیرمسئولانه‌ای از خود نشان می‌دهند؛ یعنی دیگران را مسئول شکست خود می‌پندارند و خود را مسبب چنین وضعیتی نمی‌دانند؛ نتیجهٔ این بی‌مسئولیتی، ناتوانی در برقراری روابط سالم و محبت‌آمیز با دیگران، ناتوانی در تصمیم‌گیری و شکست‌های پیاپی در زندگی خواهد بود (۱۲).

ازسوی‌دیگر باتوجه به چالش‌های موجود در زندگی کودکان کار می‌توان به مؤلفهٔ خودکارآمدی[3] اشاره کرد. به تعبیر شوارزر[4]، خودکارآمدی به باور انسان دربارهٔ توانایی انجام موفق وظیفه‌ای خاص گفته می‌شود (به‌نقل از ۱۳). از نظر بندورا[5] خودکارآمدی به احساس توانایی در سازگارشدن با مسائل مختلف زندگی اشاره می‌کند (به‌نقل از ۱۴). بندورا معتقد است، ارزیابی‌های خودکارآمدی زمانی تأثیر عمیقی بر سطوح انگیزه دارد که باور داشته باشیم تکالیف را به‌خوبی انجام می‌دهیم و باوجود مکث‌های موقت روی آن‌ها سخت‌تر و با پشتکار بیشتری کار می‌کنیم. به‌نظر او، هنگامی که افراد توانایی‌های خود را در رویارویی و اثرگذاری بر ناملایمات ناتوان ببینند، دچار افسردگی می‌شوند (به‌نقل از ۱۵).

یکی از راه‌های ارتقای مهارت‌های شناختی و زندگی، آموزش شیوهٔ تفکر است. کانت[6] معتقد است که «درست اندیشیدن» بر «اندیشهٔ درست» ارجحیت دارد (به‌نقل از ۱۶). در این چهارچوب، به کودکان آموخته می‌شود، به‌نحوی مسائل را تجزیه‌وتحلیل کنند تا به‌لحاظ منطقی به نتیجهٔ درست که پایهٔ تصمیم آتی آن‌ها خواهد بود، دست یابند. درواقع کودکان کار که شرایطی تنش‌زا و چالش‌برانگیز را تجربه می‌کنند، تمایلی به اطاعت از دستورعمل‌های تجویزی ندارند. یکی از راهکارهای عملی آن است که شیوهٔ تفکر صحیح[7] به آنان آموخته شود تا درمقابل چالش‌های موجود، محافظت شوند (۱۷). این خصیصه به کودکان کار کمک می‌کند تا به‌جای پذیرش بی‌چون و چرای واقعیات و عقاید همسالان و دیگران، به‌طور آگاهانه و خردمندانه دربارهٔ این عقاید اندیشه‌ورزی کنند. باتوجه به شرایط خاص این کودکان، اگر آموزش در آن‌ها درونی نشده باشد، کافی است مدتی از محیط آموزش دور باشند تا آن‌ها را فراموش کنند و به‌شیوهٔ گذشتهٔ خود ادامه دهند؛ بنابراین دستیابی به توانایی فلسفه‌ورزی امری آموزش‌پذیر به‌شمار می‌رود و یکی از رویکردهای آن، برنامهٔ آموزش فلسفه برای کودکان[8] (فبک) است.

در حلقهٔ کندوکاو که عنصر کلیدی برنامهٔ فلسفه برای کودکان تلقی می‌شود، کودکان دور یکدیگر می‌نشینند و ازطریق گفت‌وگوی ضمن آموزش، دربارهٔ پرسش‌های مطرح‌شده به عقایدی دست می‌یابند، از آن دفاع می‌کنند، با گروه‌های مقابل چالش می‌کنند، خطای خود را درمی‌یابند و درنهایت موقعیت‌های مبهم را روشن می‌کنند و به یافته‌های جدیدی دست می‌یابند (۱۸). این امر باعث افزایش مشارکت، تعامل، همدلی و احترام به نظرات یکدیگر و احترام به حقوق آن‌ها می‌شود.

1. Child labor
2. Responsibility
3. Self-efficacy
4. Schwarzer
5. Bandura
6. Kant
7. Correct way of thinking
8. Philosophy for Children



[ Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2025-07-15 ]

علاوه‌بر مطالب مذکور، آن‌ها متوجه می‌شوند که دیگران حق دارند نظرات خود را بیان کنند؛ بنابراین در این فرایند یاد می‌گیرند که از گفت‌وگوهای قطبی اجتناب ورزند، در هنگام نظردادن دیگران سکوت کنند، به نظرات گوش دهند و درنهایت برای آنان به‌عنوان اعضای یک جامعه، ارزش قائل شوند (۱۹). به این ترتیب، برنامهٔ آموزشی فلسفه برای کودکان، روشی برای کمک به کودکان است تا به‌عنوان یک انسان در جامعه زندگی کنند و مهارت‌های یک انسان خوب بودن را بیاموزند (۲۰). پین در پژوهش خود به بررسی تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان بر رشد تفکر و بحث و گفت‌وگو پرداخت. یافته‌ها نشان داد، آموزش فلسفه برای کودکان بر رشد مؤلفه‌های تفکر و بحث و گفت‌وگو در کودکان تأثیر مطلوب و معنادار دارد. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که تفکر انتقادی و دیگر مهارت‌ها به دانش‌آموزان انتقال‌پذیر است (۲۱). کاریکو با انجام پژوهشی با عنوان «مسئولیت‌پذیری جدید و چالش آموزش و پرورش: وضعیت کنونی و آیندهٔ فلسفه برای کودکان» دریافت، اگر توانایی فکرکردن انتقادی در دوران کودکی ایجاد نشود، بعید به‌نظر می‌رسد که در بزرگسالی شکوفا شود (۲۲). عبدالله‌زادگان و سرداری نشان دادند، آموزش فلسفه به کودکان منجربه تفاوت معنادار بین گروه‌ها در خودکارآمدی خلاق و خودتعیین‌گری و ابعاد آن شامل شناخت خود، شناخت ارزش‌ها، اجرا و تجربهٔ نتایج می‌شود (۲۳).

همچنین یکی دیگر از رویکردهایی که می‌تواند در زمینهٔ مسئولیت‌پذیری و خودکارآمدی مؤثر واقع شود، واقعیت‌درمانی مبتنی‌بر تئوری انتخاب[1] است. رویکرد واقعیت‌درمانی گلاسر یکی از مداخلات درمانی رایج در راه توصیف و تبیین قوانین رفتاری است. نظریهٔ انتخاب اعتقاد دارد که هر آنچه از ما سر می‌زند، رفتار است. همهٔ رفتارها از درون برانگیخته می‌شوند و هدف‌گرا هستند. هدف هر رفتاری ارضای یکی از پنج نیاز اساسی (عشق و احساس تعلق، قدرت، تفریح، آزادی، بقا) است. نظریهٔ انتخاب معتقد است، وقتی افراد در برآوردن نیازهای خود شکست می‌خورند، دست به رفتار می‌زنند؛ یعنی رفتارها و اعمال خاصی را برای رفع نیازهای خود انتخاب می‌کنند (۱۰). گلاسر اذعان می‌دارد، مردم می‌توانند با انتخاب آگاهانهٔ رفتارشان، زندگی خود را بهتر کنند و رفتارهای سودمند و اثربخش را از طیف وسیع رفتارهای ممکن انتخاب یا حتی خلق کنند (۲۴).

نظریهٔ انتخاب بر آنچه درمان‌جویان در روابط می‌توانند کنترل کنند، تمرکز می‌کند و اعتقاد دارد، مشکلات روانی ناشی‌از این تفکر است که توسط نیروهای بیرونی کنترل می‌شود؛ بنابراین فرد ناامید و افسرده، شرایط ناگوار خود را بر دوش دیگران و جامعه یا گذشته‌اش می‌گذارد و خود را مسئول نمی‌داند (۲۵). افراد برای برخورداری از احساسات بهتر دربارهٔ خود و زندگی باید پذیرای مسئولیت باشند. باتوجه به اینکه هدف نهایی تئوری انتخاب پذیرش واقعیت و مسئولیت‌پذیری است (۱۰)، نگ و پیج با بررسی واقعیت‌درمانی اصلاح‌شدهٔ مداخلهٔ جدید برای کمک به تقویت عزت‌نفس در مدارس متوسطهٔ مالزی، با استفاده از طیف وسیعی از زمینه‌ها ازجمله نظریهٔ انتخاب، واقعیت‌درمانی، رویکرد هویت اجتماعی و تجربهٔ دست اول در مدارس متوسطهٔ مالزی، روشی ساده و آسان ارائه کردند. نتایج پژوهش حاکی‌از افزایش عزت‌نفس در دانش‌آموزانی با عزت‌نفس ضعیف بود (۲۶). بربر چلیک و اوداسی در پژوهشی به ارزیابی مداخلهٔ گروهی روان‌شناختی مبتنی‌بر واقعیت‌درمانی برای مقابله با وقفهٔ تحصیلی پرداختند. نتایج نشان داد، برنامهٔ آموزشی بر کاهش رفتارهای اهمال‌کارانه و مسئولیت‌پذیری دانشجویان تأثیرگذار است (۲۷).

تعداد زیادی از کودکان کار به‌دلیل شرایط نامناسب خانوادگی، موقعیت مکانی (محله) و وضعیت محل کار با آسیب‌های متعددی روبه‌رو هستند. محیط خانواده در این خانواده‌های آسیب‌دیده، برعکس، بیش از آنکه مکان مناسبی برای روان این کودکان باشد، جایی است که آن‌ها احساس راحتی نمی‌کنند. خشونت خانگی، خشونت جنسی در خانه یا خیابان یا محل کار، وضعیت اقتصادی خانواده و...، آسیب‌های جبران‌ناپذیری به روح و روان کودک وارد می‌سازد. بسیاری از این کودکان با مشکلاتی چون نبود خودکارآمدی، بی‌اعتمادی به دیگران، طرد اجتماعی و... مواجه هستند (۶). یافتن روش‌های مؤثر برای پیشگیری از گسترش مشکلات رفتاری کودکان درمعرض خطر ایجاب می‌کند که تحقیقات بیشتری در زمینهٔ کودکان کار صورت گیرد؛ بنابراین قصد پژوهشگران در این پژوهش، مقایسهٔ دو روش آموزشی نظریهٔ انتخاب و فلسفهٔ کندوکاو بر بهبود خودکارآمدی و مسئولیت‌پذیری کودکان کار بود که ازطریق آموزش فلسفه به کودکان و نظریهٔ انتخاب می‌توان مهارت‌های لازم را آموزش داد. باتوجه به آنچه گفته شد، هدف این پژوهش، مقایسهٔ اثربخشی دو روش آموزشی نظریهٔ انتخاب و فلسفهٔ کندوکاو بر بهبود مسئولیت‌پذیری و خودکارآمدی کودکان کار ۱۲تا۱۴ سال بود.

## ۲ روش‌بررسی

روش پژوهش حاضر، نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون همراه با گروه گواه بود. جامعهٔ آماری پژوهش را تمامی کودکان کار ردهٔ سنی ۱۲تا۱۴ سال واقع در شهرستان رشت در سال ۱۴۰۰ـ۱۳۹۹ تشکیل دادند. تعداد جامعهٔ آماری ۱۲۰ نفر بود. باتوجه به اینکه در پژوهش‌های آزمایشی حداقل نمونه باید پانزده نفر باشد (۲۸)، در این پژوهش با هدف افزایش اعتبار بیرونی پژوهش و احتمال افت آزمودنی، نمونهٔ آماری مطالعه سی نفر بود که به‌صورت واجد شرایط داوطلب به‌روش دردسترس وارد مطالعه شدند. آزمودنی‌ها پس از تأیید و امضای فرم رضایت از شرکت در پژوهش، به‌طور تصادفی در سه گروه آزمایش آموزش تئوری انتخاب (ده نفر)، گروه آزمایش آموزش فلسفهٔ کندوکاو (ده نفر) و گروه گواه (ده نفر) قرار گرفتند. ملاک‌های ورود آزمودنی‌ها به پژوهش عبارت بود از: رضایت آزمودنی به شرکت در مطالعه؛ ردهٔ سنی ۱۲تا۱۴ سال؛ مشغول به تحصیل بودن. ملاک‌های خروج، رضایت‌نداشتن آزمودنی از شرکت یا ادامهٔ حضور در مطالعه، برخوردارنبودن از شرایط جسمی یا روحی مناسب برای اتمام پاسخ‌دهی به پرسش‌نامه‌ها و نقص در تکمیل پرسش‌نامه‌ها بود؛ به‌گونه‌ای‌که بر نتیجه تأثیر منفی بگذارد. به‌لحاظ رعایت ملاحظات اخلاقی از شرکت‌کنندگان رضایت‌نامه دریافت شد که نزد محققان محفوظ است. به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات محرمانه خواهد ماند؛

[1]. Reality Therapy based on the Theory of Choice



[ Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2025-07-15 ]

بدین‌منظور، پرسش‌نامهٔ پژوهش بدون نام بود و یک کد به هر فرد اختصاص یافت.

برای جمع‌آوری داده‌ها ابزارها و جلسات آموزشی زیر به‌کار رفت.

ـ مقیاس مسئولیت‌پذیری شخصی برای نوجوانان[1]: این مقیاس توسط مرگلر و شیلد در سال ۲۰۱۶ به‌منظور سنجش مسئولیت‌پذیری شخصی برای نوجوانان طراحی و تدوین شد (۲۹). این مقیاس دارای پانزده سؤال و سه مؤلفهٔ پاسخ‌گویی شخصی، کنترل رفتاری و کنترل شناختی است و براساس طیف چهارگزینه‌ای لیکرت با سؤالاتی مانند (با دیگران با احترام برخورد می‌کنم؛ زیرا دوست دارم دیگران نیز این‌گونه با من برخورد کنند) به سنجش مسئولیت‌پذیری شخصی برای نوجوانان می‌پردازد. نمرهٔ بیشتر در مقیاس نشان‌دهندهٔ مسئولیت‌پذیری بیشتر در آزمودنی است (۲۹). مرگلر و شیلد پایایی مقیاس را به‌روش آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های پاسخ‌گویی شخصی و کنترل رفتاری/هیجانی و کنترل شناختی به‌ترتیب ۰/۸۱ و۰/۸۱ و ۰/۷۱ به‌دست آوردند (۲۹). در ایران این مقیاس توسط جوکار و همکاران اعتباریابی شد. برای بررسی روایی و پایایی ابزار، ابتدا ارزیابی روایی ترجمه با استفاده از ترجمهٔ وارونه صورت گرفت. بدین‌ترتیب که بعد از ترجمهٔ ابزار توسط محققان، دو نفر از دانشجویان دکتری زبان انگلیسی این ترجمه را مجدد به انگلیسی برگرداندند و پس از تطبیق ترجمه با متن اصلی اصلاحاتی در آن صورت گرفت. سپس با انجام مطالعه‌ای مقدماتی روی چند نفر از دانش‌آموزان، اصلاحاتی از نظر استفاده از لغات مفهوم و مناسب انجام شد. درنهایت این مقیاس روی مشارکت‌کنندگان اصلی اجرا شد. پایایی ابزار نیز مطلوب بود و ضریب آلفای کرونباخ برای کنترل شناختی/پاسخ‌گویی برابر با ۰/۹۳ و برای کنترل رفتاری/هیجانی ۰/۷۰ به‌دست آمد. نتیجه آنکه این ابزار برای اندازه‌گیری مسئولیت‌پذیری شخصی دانش‌آموزان دوره‌های اول و دوم متوسطه که در سنین نوجوانی قرار دارند، با دو عامل مناسب به‌نظر می‌رسد (۳۰).

ـ مقیاس خودکارآمدی عمومی[2] : این مقیاس توسط شوارزر و جروسالم در سال ۱۹۹۵ با هدف ارزیابی خودکارآمدی ساخته شد (۳۱). جروسالم و شوارزر این مقیاس را در سال ۱۹۸۱ به زبان آلمانی طراحی کردند که دارای بیست گویه با دو خرده‌مقیاس خودکارآمدی عمومی و خودکارآمدی اجتماعی بود؛ اما بعدها این ابزار به مقیاس ده‌گویه‌ای خودکارآمدی عمومی تبدیل شد. نمره‌گذاری این مقیاس به‌صورت طیف لیکرت از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم از یک تا چهار است. نمرهٔ کل خودکارآمدی از جمع نمرات تمام گویه‌ها به‌دست می‌آید. نمرهٔ بیشتر در مقیاس نشان‌دهندهٔ خودکارآمدی قوی آزمودنی است (۳۱). روایی و پایایی خارجی ابزار در پژوهش‌های متعددی بررسی و تأیید شده است؛ برای مثال، ضریب آلفای کرونباخ ابزار در آلمان ۰/۸۱ و در کانادا ۰/۸۸ و در انگلستان ۰/۸۸ گزارش شد (۳۱). رجبی در سال ۱۳۸۵، روایی و پایایی فرم فارسی مقیاس را در جمعیتی دانشجویی در دانشگاه شهید چمران و دانشگاه آزاد مرودشت بررسی و تأیید کرد و ضریب پایایی مقیاس ۰/۸۲ به‌دست آمد (۳۲).

ـ آموزش تئوری انتخاب: در این پژوهش، آموزش تئوری انتخاب براساس اصول تئوری انتخاب گلاسر (۱۰) با تأکید بر مسئولیت‌پذیری طرح‌ریزی شد. اجرای این برنامه در هشت جلسهٔ یک‌ونیم‌ساعته و هفته‌ای یک جلسه بود. روایی محتوای این برنامهٔ مداخله در پژوهش امانی به تأیید رسید (۳۳).

ـ آموزش فلسفه به کودکان: به‌منظور اجرای برنامهٔ آموزش فلسفه به کودکان از مجموعهٔ سه‌جلدی *داستان‌های فکری* فیلیپ کم، ترجمهٔ شهرتاش و ابراهیمی در سال ۱۳۸۵، برای کودکان ۱۲تا۱۴ سال استفاده شد (۳۴). این داستان‌ها دارای مضمون فلسفی و اخلاقی و اجتماعی هستند و برای رشد تفکر و یادگیری تدوین شده‌اند. این برنامه در ده جلسهٔ یک‌ونیم‌ساعته و هفته‌ای یک جلسه اجرا شد. قبل از شروع داستان، پژوهشگر با مشارکت تمامی دانش‌آموزان مقرراتی را وضع کرد تا همهٔ افراد آن حالات و عواطف را رعایت کنند. پژوهشگر هدایت بحث را به‌عهدهٔ گرفت تا دانش‌آموزان از موضوع خارج نشوند. سپس افراد دارای مشارکت و نظرات بهتر، تشویق شدند. روایی محتوای این برنامهٔ مداخله در پژوهش عبداللهزادگان و سرداری به تأیید رسید (۳۵).

جدول ۱. محتوای جلسات آموزش تئوری انتخاب (۳۳)

| جلسه | شرح |
|---|---|
| اول | آشنایی اعضا با یکدیگر، مطرح‌کردن قواعد آموزش گروهی و هدف آموزش، مدت جلسات، مفهوم‌سازی اولیه، جمع‌بندی |
| دوم | آموزش مفاهیم اصلی تئوری انتخاب، معرفی رفتار و ویژگی‌های آن، آموزش مؤلفه‌های رفتار (چهار مؤلفه) |
| سوم | خلاصه‌سازی جلسهٔ پیشین، آشنایی با نیازها و چرایی صدور رفتار، انواع هویت، هویت‌های موفق و شکست و روند شکل‌گیری آن‌ها، جمع‌بندی |
| چهارم | خلاصه‌سازی جلسهٔ گذشته، اهمیت زمان حال و اهمیت انتخاب، بررسی دو نوع هویت در قالب زمانی، کاربردی‌کردن مفاهیم، جمع‌بندی |
| پنجم | مرور مفاهیم قبلی، تبیین انواع واکنش به ناکامی، تعارضات و توقف رشد، تبیین شکل‌های به‌کارگیری مفاهیم در زندگی روزمره، جمع‌بندی |
| ششم | مرور جلسهٔ پیشین، آشنایی با هیجانات از این دیدگاه، تبیین چگونگی تنظیم و گواه هیجانات، جمع‌بندی |
| هفتم | مرور جلسات پیشین، اهمیت پذیرش مسئولیت درقبال رفتار در روند رشدی، معرفی رفتارهای تخریبگر و سازنده در روابط، جمع‌بندی |
| هشتم | جمع‌بندی نهایی، کاربردی‌کردن مفاهیم با تأکید بر مسئولیت‌پذیری، اهمیت انتخاب و زمان حال برای ارضای نیازها و در قالب هویت موفق |

[1] .Personal Responsibility Scale for Adolescents

[2]. General Self-Efficacy Scale



[ Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2025-07-15 ]

جدول ۲. محتوای جلسات آموزش فلسفهٔ کندوکاو (۳۴)

| جلسه | داستان | مباحث مطرح‌شده |
|---|---|---|
| اول | لانهٔ پرنده | رعایت احساسات دیگران، احترام به نظر دیگران، مقایسهٔ اعمال، اختلاف نظر |
| دوم | چاقو | تفکر و احساس، عدالت، رعایت قوانین، قوانین‌سازی، مسئولیت‌پذیری |
| سوم | لیندا و کلار | درک احساسات، جفت‌های مکمل، مقایسه، تشخیص، متضادها، درک دوستی |
| چهارم | بدخُلقی | گواه رفتار خود به برقراری ارتباط، توجه به دیگران، قضاوت |
| پنجم | ستارهٔ دریایی | دسته‌بندی و طبقه‌بندی، استدلال‌کردن و تفکر دربارهٔ امور، توانایی تشخیص |
| ششم | دعوا | انصاف، خشونت، تأمل‌کردن، نقل‌قولکردن، آداب، ناسزاگویی |
| هفتم | قارچ | تنگناهای اخلاقی، انتخاب و تصمیم‌گیری، همدلی، همدردی، شجاعت، انجام وظایف، استدلال، توجه به حیوانات |
| هشتم | بال‌دار | مسئولیت‌پذیری، توجیهات، جروبحث، خانواده، دروغ‌گویی و راست‌گویی |
| نهم | خیابان سیزدهم | جامعه، عدالت، قانون، حقوق دیگران، تبعیض، شهامت |
| دهم | موش و قورباغه | دوستی، تصمیم‌گیری، پذیرش عواقب کار، استدلال |

به‌منظور تجزیه‌وتحلیل داده‌ها، علاوه‌بر استفاده از شاخص‌های گرایش به مرکز و شاخص‌های پراکندگی به‌عنوان شاخص‌های آمار توصیفی، از آمار استنباطی نیز استفاده شد. آمار استنباطی شامل آزمون تحلیل کوواریانس با ارزیابی پیش‌فرض‌های آن یعنی آزمون شاپیرو–ویلک به‌منظور ارزیابی تطابق توزیع مشاهدات با توزیع نرمال، آزمون لون برای بررسی همگنی واریانس گروه‌ها، آزمون کوواریانس و بررسی اثر متقابل بین عامل و گروه برای ارزیابی همگنی شیب خطوط رگرسیون به‌کار رفت. همچنین از آزمون تعقیبی بونفرونی برای مقایسهٔ زوجی و تعیین مقدار اختلافات، استفاده شد. تحلیل داده‌ها در نسخهٔ ۲۳ نرم‌افزار SPSS صورت گرفت و با مفروض‌داشتن سطح اطمینان ۹۵درصد، سطح معناداری (خطای نوع اول) برابر با ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

## ۳ یافته‌ها

قبل از انجام آزمون تحلیل کوواریانس، نرمال‌بودن داده‌ها، برابری واریانس‌ها و یکسانی شیب رگرسیون بررسی شد. به‌منظور بررسی نرمال‌بودن داده‌ها، آزمون شاپیرو–ویلک برای متغیرهای پژوهش در پیش‌آزمون و پس‌آزمون به‌کار رفت و مشخص شد، توزیع داده‌های تحقیق، نرمال بود ($p$>۰/۰۵). همچنین برای سنجش شرط برابری واریانس‌ها، نتایج آزمون لون یکسانی واریانس‌ها را تأیید کرد ($p$>۰/۰۵). پیش‌فرض همگنی شیب رگرسیون نیز بررسی و تأیید شد ($p$>۰/۰۵)؛ بنابراین با برقراری سه پیش‌فرض مذکور، آزمون تحلیل کوواریانس برای تحلیل داده‌ها به‌کار رفت.

جدول ۳. شاخص‌های توصیفی خودکارآمدی در گروه‌های آزمایش و گواه

| متغیر وابسته | گروه گواه | | گروه تئوری انتخاب | | گروه فلسفهٔ کندوکاو | | کل | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | میانگین | انحراف معیار | میانگین | انحراف معیار | میانگین | انحراف معیار | میانگین | انحراف معیار |
| خودکارآمدی پیش‌آزمون | ۴۴/۷ | ۲/۶۲ | ۴۵/۳ | ۴/۷۳ | ۴۷/۲ | ۲/۷۸ | ۴۵/۷۳ | ۳/۵۶ |
| خودکارآمدی پس‌آزمون | ۴۳/۸ | ۳/۶۷ | ۵۳/۵ | ۲/۷۹ | ۴۸/۶ | ۴/۰۸ | ۴۸/۶۳ | ۵/۲ |
| مسئولیت‌پذیری پیش‌آزمون | ۳۲/۱ | ۵/۶۸ | ۳۷/۱ | ۳/۱ | ۴۰/۶ | ۳/۵ | ۳۶/۵ | ۶/۰۷ |
| مسئولیت‌پذیری پس‌آزمون | ۳۱/۱ | ۵/۴۶ | ۳۷/۴ | ۲/۲۷ | ۴۱/۲ | ۵/۰۹ | ۳۶/۶ | ۵/۴۲ |

همان‌طورکه در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، شاخص میانگین و انحراف معیار برای شاخص خودکارآمدی به‌تفکیک گروه گواه و گروه‌های آزمایش (گروه تئوری انتخاب و گروه فلسفهٔ کندوکاو) در دو حالت پیش‌آزمون و پس‌آزمون بررسی شده است. مقایسه‌های میانگین نشان می‌دهد، در گروه گواه تغییرات درخورتوجهی در شاخص خودکارآمدی دیده نشد؛ اما در گروه‌های آزمایش تئوری انتخاب و فلسفهٔ کندوکاو، تغییرات مربوط به شاخص خودکارآمدی از مراحل پیش‌آزمون به پس‌آزمون، با روند افزایشی همراه بود و این روند درخورتوجه بود.

همچنین همان‌طورکه ملاحظه می‌شود، شاخص میانگین و انحراف معیار برای شاخص مسئولیت‌پذیری به‌تفکیک گروه‌های گواه و آزمایش (گروه تئوری انتخاب و گروه فلسفهٔ کندوکاو) در دو حالت پیش‌آزمون و پس‌آزمون بررسی شده است. مقایسه‌های میانگین مشخص می‌کند، در گروه گواه تغییرات درخورتوجهی در شاخص مسئولیت‌پذیری دیده نشد؛ اما در گروه‌های آزمایش تئوری انتخاب و فلسفهٔ کندوکاو، تغییرات مربوط به شاخص مسئولیت‌پذیری از مراحل پیش‌آزمون به پس‌آزمون، با روند افزایشی همراه بود.



[ Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2025-07-15 ]

جدول ۴. بررسی وضعیت انطباق متغیرها با توزیع نرمال

| سازه | گروه | شاپیرو ـ ویلک | | |
|---|---|---|---|---|
| | | آماره | درجهٔ آزادی | مقدار احتمال |
| خودکارآمدی پیش‌آزمون | گواه | ۰/۹۴ | ۱۰ | ۰/۱۴۰ |
| | تئوری انتخاب | ۰/۹۴ | ۱۰ | ۰/۱۳۰ |
| | فلسفهٔ کندوکاو | ۰/۸۷۹ | ۱۰ | ۰/۸۹۰ |
| خودکارآمدی پس‌آزمون | گواه | ۰/۷۸۹ | ۱۰ | ۰/۱۰۴ |
| | تئوری انتخاب | ۰/۷۸۲ | ۱۰ | ۰/۶۰۷ |
| | فلسفهٔ کندوکاو | ۰/۹۳۲ | ۱۰ | ۰/۱۵۵ |
| مسئولیت‌پذیری پیش‌آزمون | گواه | ۰/۹۴۵ | ۱۰ | ۰/۶۵۹ |
| | تئوری انتخاب | ۰/۸۸۰ | ۱۰ | ۰/۲۰۴ |
| | فلسفهٔ کندوکاو | ۰/۸۱۲ | ۱۰ | ۰/۴۵۰ |
| مسئولیت‌پذیری پس‌آزمون | گواه | ۰/۸۳۴ | ۱۰ | ۰/۰۸۴ |
| | تئوری انتخاب | ۰/۸۵۵ | ۱۰ | ۰/۶۴۶ |
| | فلسفهٔ کندوکاو | ۰/۷۹۱ | ۱۰ | ۰/۸۰۹ |

باتوجه به مقادیر آمارهٔ آزمون شاپیرو ـ ویلک، سطوح معناداری آزمون، مقادیری بیشتر از مقدار خطا (۰/۰۵) داشت؛ بنابراین فرض نرمال‌بودن داده‌های جمع‌آوری‌شده برقرار بود. از دیگر آزمون‌های استفاده‌شده برای رعایت پیش‌فرض تحلیل کوواریانس، آزمون لون بود که به‌منظور بررسی همگنی واریانس‌ها آزمون در گروه گواه و گروه‌های آزمایش انجام شد و نتایج در جدول ۵ آورده شده است. نتایج آزمون لون، برقراری همگنی واریانس‌ها را نشان داد و این پیش‌فرض برقرار بود. از دیگر مفروضه‌های روش تحلیل کوواریانس وجود همگنی شیب خطوط رگرسیون بود؛ ازاین‌رو از بررسی تعامل بین‌عاملی گروه و مقدار متغیر در مرحلهٔ پیش‌آزمون استفاده شد. نتایج معنادار نبود ($p$>۰/۰۵) و آزمون کوواریانس و بررسی تعامل گروه پیش‌فرض همگنی شیب خطوط رگرسیون را رد نکرد. بر این اساس برقراری پیش‌فرض‌های لازم برای اجرای تحلیل کوواریانس مشخص شد و نتایج از دقت کافی برخوردار بود.

جدول ۵. نتایج تحلیل کوواریانس تک‌متغیری بین‌گروهی برای متغیر خودکارآمدی

| متغیر وابسته | مجموع مجذورات | درجهٔ آزادی | میانگین مجذورات | F | مقدار احتمال | مجذور اتا | توان |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| خودکارآمدی پس‌آزمون | ۵۷/۲۴ | ۱ | ۵۷/۲۴ | ۶/۰۱ | ۰/۰۲۲ | ۰/۷۱ | ۱ |

براساس جدول ۵، مقدار F به‌دست‌آمده برای متغیر خودکارآمدی معنادار بود ($p$=۰/۰۲۲)؛ بنابراین هر دو مداخله یعنی روش درمان تئوری انتخاب و روش درمان فلسفهٔ کندوکاو بر خودکارآمدی کودکان کار تأثیر داشت. همچنین میزان تأثیر این آموزش‌ها باتوجه به مقدار مجذور اتا، ۰/۷۱ بود. به‌منظور تعیین اثربخشی هریک از روش‌های مداخلاتی بر متغیر وابسته، از آزمون تعقیبی بونفرونی استفاده شد (جدول ۶).

جدول ۶. نتایج آزمون تعقیبی بونفرونی برای بررسی تفاوت بین گروه‌ها در متغیر خودکارآمدی

| متغیر وابسته | گروه مبنا | گروه مقایسه‌شده | اختلاف میانگین (I ـ J) | خطای معیار | $p$ |
|---|---|---|---|---|---|
| خودکارآمدی | درمان تئوری انتخاب | فلسفهٔ کندوکاو | ۵/۴۳ | ۲/۱۳ | <۰/۰۰۱ |
| | درمان تئوری انتخاب | گواه | ۸/۵۹ | ۳/۳۹ | <۰/۰۰۱ |
| | درمان فلسفهٔ کندوکاو | گواه | ۳/۱۶ | ۲/۲۹ | <۰/۰۰۱ |

باتوجه به نتایج جدول ۶، مداخلهٔ درمانی مبتنی‌بر تئوری انتخاب ($p$<۰/۰۰۱) و مداخلهٔ درمانی فلسفهٔ کندوکاو ($p$<۰/۰۰۱) برای گروه‌های آزمایش درمقایسه با گروه گواه، موجب افزایش خودکارآمدی شد. همچنین بین اثربخشی درمان مبتنی‌بر تئوری انتخاب و درمان فلسفهٔ کندوکاو، تفاوت معنادار وجود داشت ($p$<۰/۰۰۱)؛ به‌طوری‌که درمان تئوری انتخاب درمقایسه با درمان فلسفهٔ کندوکاو دارای اثربخشی بیشتری بود؛ بنابراین ضمن مؤثربودن روش‌های آموزش (تئوری انتخاب و فلسفهٔ کندوکاو) بر افزایش خودکارآمدی کودکان کار، باید گفت که روش آموزش تئوری انتخاب، اثربخشی بیشتری بر میزان خودکارآمدی کودکان کار داشت.

نتایج آزمون لون، برقراری همگنی واریانس‌ها را نشان داد و این پیش‌فرض برای متغیر مسئولیت‌پذیری برقرار بود. از دیگر مفروضه‌های روش تحلیل کوواریانس، وجود همگنی شیب خطوط رگرسیون بود؛ ازاین‌رو از بررسی تعامل بین‌عاملی گروه و مقدار متغیر در مرحلهٔ



[ Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2025-07-15 ]

پیش‌آزمون استفاده شد. نتایج معنادار نبود ($p$>۰/۰۵) و آزمون کوواریانس و بررسی تعامل گروه پیش‌فرض همگنی شیب خطوط رگرسیون را رد نکرد. بر این اساس برقراری پیش‌فرض‌های لازم برای اجرای تحلیل کوواریانس مشخص شد و نتایج از دقت کافی برخوردار بود.

جدول ۷. نتایج تحلیل کوواریانس تک‌متغیری برای متغیر مسئولیت‌پذیری

| متغیر وابسته | مجموع مجذورات | درجهٔ آزادی | میانگین مجذورات | F | مقدار احتمال | مجذور اتا | توان آزمون |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| مسئولیت‌پذیری | ۷۶۸/۴۹ | ۲ | ۱۵۳/۶ | ۱۲/۲۶ | <۰/۰۰۱ | ۰/۷۱۹ | ۱ |

براساس جدول ۷، مقدار F به‌دست‌آمده برای متغیر خودکارآمدی معنادار بود ($p$<۰/۰۰۱)؛ بنابراین هر دو مداخله یعنی روش درمان تئوری انتخاب و روش درمان فلسفهٔ کندوکاو بر مسئولیت‌پذیری کودکان کار تأثیر داشت. همچنین میزان تأثیر این آموزش‌ها باتوجه به مقدار مجذور اتا، ۰/۷۱۹ بود. به‌منظور تعیین اثربخشی هریک از روش‌های مداخلاتی بر متغیر وابسته، از آزمون تعقیبی بونفرونی استفاده شد.

جدول ۸. نتایج آزمون تعقیبی برای بررسی تفاوت بین گروه‌ها در متغیر مسئولیت‌پذیری

| متغیر وابسته | گروه مبنا | گروه مقایسه‌شده | اختلاف میانگین (I_J) | خطای معیار | $p$ |
|---|---|---|---|---|---|
| مسئولیت‌پذیری | درمان تئوری انتخاب | فلسفهٔ کندوکاو | ۰/۸۵ | ۳/۸۳ | ۰/۶۸۶ |
| | درمان تئوری انتخاب | گواه | ۲/۶۵ | ۳/۲۷ | <۰/۰۰۱ |
| | درمان فلسفهٔ کندوکاو | گواه | ۳/۵۱ | ۳/۴۶ | <۰/۰۰۱ |

باتوجه به نتایج آزمون تعقیبی بونفرونی در جدول ۸، بین گروه گواه با گروه‌های آموزش تئوری انتخاب و فلسفهٔ کندوکاو، در متغیر مسئولیت‌پذیری تفاوت معنادار مشاهده شد ($p$<۰/۰۰۱)؛ اما دو گروه آزمایشی باهم اختلاف معنادار نداشتند؛ به‌عبارتی دو روش آموزشی دارای اثر یکسانی بر مسئولیت‌پذیری کودکان کار بود ($p$=۰/۶۸۶).

## ۴ بحث

پژوهش حاضر با هدف مقایسهٔ اثربخشی آموزش تئوری انتخاب و فلسفهٔ کندوکاو بر مسئولیت‌پذیری و خودکارآمدی کودکان کار ردهٔ سنی ۱۲تا۱۴ سال انجام شد. نتایج نشان داد، آموزش تئوری انتخاب و فلسفهٔ کندوکاو بر افزایش متغیرهای خودکارآمدی و مسئولیت‌پذیری گروه‌های آزمایش درمقایسه با گروه گواه، تأثیر معنادار داشت. همچنین روش آموزشی تئوری انتخاب درمقایسه با آموزش فلسفهٔ کندوکاو اثربخشی بیشتری بر میزان خودکارآمدی کودکان کار داشت؛ اما تفاوت معناداری بین اثربخشی دو روش آموزشی مذکور بر مسئولیت‌پذیری کودکان کار مشاهده نشد.

یافتهٔ اثربخشی آموزش تئوری انتخاب با نتایج پژوهش‌های نگ و پیج (۲۶) و بربر چلیک و اوداسی (۲۷)، همسوست. در تبیین این یافته می‌توان گفت، کودکان کار به‌دلیل شرایط واقع در آن، درمعرض آسیب‌های روانی مختلفی قرار دارند و به‌تبع آن با افکار و احساسات ناخوشایندی درگیر هستند که زمینهٔ نبود خودکارآمدی را در آن‌ها رقم می‌زند. نداشتن خودکارآمدی مناسب زمینه را برای بروز رفتارهای پرخطر چون اعتیاد، بزهکاری، سرقت، ترک منزل و خودکشی فراهم می‌کند. آموزش گروهی نظریهٔ انتخاب بر بهبود خودکارآمدی این کودکان به آن دلیل معنادار بود که در نظریهٔ مذکور بر منبع کنترل درونی و هویت موفق تأکید شده است. در کنترل درونی افراد موفقیت‌های خویش را به توانایی‌های خود نسبت می‌دهند و احساس ارزشمندی می‌کنند و درمقابل رویدادهای منفی و نامطلوب زندگی خویش، توانایی حل موفقیت‌آمیز آن‌ها را دارند (۲۶،۲۷). همچنین تلاش برای کسب هویت موفق منجر می‌شود افراد خود را توانا و لایق در نظر بگیرند که توانایی تسلط بر محیط خود و اعتماد کافی برای ادامهٔ زندگی را دارند. رشد این خصیصه‌ها در افراد براساس نظریهٔ انتخاب منجربه افزایش خودکارآمدی در کودکان کار شده است (۳۶). خودکارآمدی مقوله‌ای است که کودکان کار از جانب آن بیشترین آسیب را می‌بینند. اگر با دیدی کلی نگریسته شود، آنچه حد یا خط قرمزی درجهت سالم زندگی‌کردن و تغییر جهت زندگی فعلی آن‌ها خواهد شد، میزان رشد خودکارآمدی در کودکان خواهد بود (۳۷). رشد خودکارآمدی برای سلامت جسم و روح این نوع کودکان ضروری است؛ تاآنجاکه کمک می‌کند اگر کودکی مجبور به کارکردن است و نمی‌توان راه چاره‌ای برای بهبود وضعیت او اتخاذ کرد، حداقل به‌کمک رشد خودکارآمدی به او آموزش داده شود تا بتواند در بین کارهای موجود بهترین گزینه را انتخاب کند. افراد خود باعث ضعف خودکارآمدی‌شان نمی‌شوند؛ اما خود مسئول هستند که برای رهایی از آن تصمیم‌گیری کنند (۲). ازآنجاکه کودکان آسیب‌دیدهٔ کار، شرایط مناسب را برای غلبه یا افزایش خودکارآمدی خود ندارند، محیط‌های آموزشی کودکان عامل مناسب‌تر در افزایش خودکارآمدی آن‌ها است (۳۷). نظریهٔ انتخاب با مفهوم روان‌شناسی کنترل درونی درنهایت منجربه بروز رفتارهای مسئولانه می‌شود. درمقابل، افراد دارای روان‌شناسی کنترل بیرونی، عقیده دارند که چهار جزء رفتار کلی خارج از گواه آن‌ها است و خود هیچ‌گونه گواهی بر آن ندارند (۳۳،۳۸). ازسوی‌دیگر می‌توان به یافتهٔ اثربخشی آموزش فلسفهٔ کندوکاو اشاره کرد. این یافته با نتایج مطالعات رهدار (۳۹) و تریکی و تاپینگ (۴۰) و تجلی‌نیا و هیبتی (۴۱) همسوست. در تبیین تأثیر آموزش فلسفه به کودکان به‌روش اجتماع پژوهشی بر خودکارآمدی می‌توان گفت، قرارگرفتن در یک جمع، با وضع قوانین خاص باعث بهبود و رشد تفکر



[ Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2025-07-15 ]

انتقادی، خلاق و مهارت‌های خودکارآمدی می‌شود؛ آنچنان‌که لیپمن نیز در بیان اهداف آموزشی فلسفه به کودکان به آن اشاره می‌کند (۴۲). به‌نظر می‌رسد، عامل مهمی که فرد می‌تواند میزان موفقیت‌آمیزبودن روابط اجتماعی خود را ارزشیابی کند، انتظارات خودکارآمدی است و این انتظارات در محیط‌های اجتماعی و تعاملات میان‌فردی ایجاد می‌شود (۱۶،۱۷). به‌علاوه این فرایند نیازمند مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی، پذیرش مسئولیت و حساسیت درقبال احساسات دیگران است؛ درنتیجه، درگیرشدن در آموزش فلسفه به کودکان همان‌گونه که اثرات شناختی و افزایش خودکارآمدی، هوش اجتماعی و هوش هیجانی را به‌دنبال دارد، دارای اثرات اجتماعی‌عاطفی زیادی نیز است (۱۹).

باتوجه به نتایج حاصل دربارهٔ مقایسهٔ دو روش آموزشی تئوری انتخاب و فلسفهٔ کندوکاو و اثربخشی هر دو روش بر افزایش خودکارآمدی و مسئولیت‌پذیری، پژوهشگر به پژوهشی دربارهٔ مقایسهٔ این دو روش آموزش دست نیافت؛ اما باتوجه به مؤلفه‌های مشترک در دو روش می‌توان بیان کرد، هدف اصلی رویکردهای نظریهٔ انتخاب و فلسفهٔ کندوکاو، کمک به افراد برای آگاهی از نیازهای خود و پایش رفتار و انجام انتخاب‌های مناسب است که تمامی این مؤلفه‌ها منجربه درک مسئولیت افراد درقبال رفتارها و انتخاب و اعمالشان می‌شود (۲۶ـ ۱۶). برنامهٔ آموزش فلسفه به کودکان کمک می‌کند تا احساس بهتری دربارهٔ توانایی‌های خود داشته باشند. فلسفه برای کودکان برنامه‌ای است که با تأکید بر گفت‌وگو با همسالان و مباحثهٔ هشیارانه، باعث پیامدهای مثبت برای آن‌ها می‌شود. آموزش فلسفه به کودکان، کودکان را به هشیارتربودن دربارهٔ تفکر و یادگیری خود، یعنی آگاه‌بودن از آنچه می‌اندیشند و یاد می‌گیرند، تشویق می‌کند (۴۳). همچنین توانمندسازی مبتنی‌بر نظریهٔ انتخاب در نظر دارد، رفتاری را که فرد درصدد اصلاح آن است شناسایی کند، تمام توجه خود را به آن معطوف سازد و عذر و بهانه‌ای برای رد مسئولیت خود نیاورد. در این رویکرد تلاش می‌شود تا کودکان اهداف کوتاه‌مدت و درازمدت زندگی خود را بشناسند، با صراحت آن‌ها را تعریف کنند، راه‌های رسیدن به اهدافشان را ارزیابی کنند، از بین آن‌ها روش‌هایی را که به نتایج مطلوب‌تری خواهد انجامید انتخاب کنند و احساس مثبت‌تری را دربارهٔ خود تجربه نمایند (۴۴).

## ۵ نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های پژوهش نتیجه گرفته می‌شود، آموزش نظریهٔ انتخاب و فلسفهٔ کندوکاو بر متغیرهای مسئولیت‌پذیری و خودکارآمدی تأثیر دارد. ضمن مؤثربودن روش‌های آموزش (تئوری انتخاب و فلسفهٔ کندوکاو) بر افزایش خودکارآمدی کودکان کار، باید بیان کرد که روش آموزشی تئوری انتخاب اثربخشی بیشتری بر میزان خودکارآمدی کودکان کار دارد؛ اما دو روش آموزشی مذکور اثربخشی یکسانی بر مسئولیت‌پذیری کودکان کار دارند.

## ۶ تشکر و قدردانی

از همراهی و همکاری تمامی کودکان کار رشت در پژوهش که ما را یاری کردند، تشکر و قدردانی می‌شود.

## ۷ بیانیه‌ها

تأییدیهٔ اخلاقی و رضایت‌نامه از شرکت‌کنندگان

در این پژوهش به‌منظور انجام پژوهش از شرکت‌کنندگان رضایت کتبی دریافت شد. علاوه‌براین به‌منظور اطمینان خاطر، به آن‌ها توضیح داده شد که پرسش‌نامه‌ها فاقد نام و دارای کد محرمانه است.

رضایت برای انتشار

این امر غیرقابل اجرا است.

تضاد منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند هیچ‌گونه تعارض منافعی ندارند.

منابع مالی

پژوهش حاضر بدون حمایت مالی سازمان خاصی انجام شده است.

مشارکت نویسندگان

این پژوهش حاصل رسالهٔ دکتری نویسندهٔ اول است که با حمایت دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت و کد شناسایی IR.IAU.RASHT.REC.1400.019 انجام شد. نویسندهٔ دوم، استاد راهنمای اول رساله و نویسندهٔ مسئول، نویسندهٔ سوم، استاد راهنمای دوم و نویسندهٔ چهارم، استاد مشاور پژوهش بودند. همهٔ نویسندگان نسخهٔ نهایی را خواندند و تأیید کردند.

## References

1. Rasekhinejad M, Khodabakhshi-Koolaee A. Effectiveness of psychodrama on increasing social skills and reducing of aggression in Afghan immigrant labor children. Journal of Pediatric Nursing. 2019;6(2):60–7. [Persian] https://jpen.ir/article-1-370-en.html
2. Akbari Ali Abadi M, Khaleghipour S, Oreizi Samani HR. The relationship between post-traumatic stress disorder and behavioral problems of sexually abused labor children compared to orphaned children. Journal of Pediatric Nursing. 2016;3(1):1–10. [Persian] http://dx.doi.org/10.21859/jpen-0301150
3. Kazemi S. The labor children in a world they never made. Community Health. 2017;4(2):76–8. [Persian]
4. Siadat SM. Effects of social skills teaching on the self-esteem and identity dimensions of the labor children. Educational Psychology. 2016;11(37):83–101. [Persian] https://jep.atu.ac.ir/article_3665_en.html
5. Lohrasbi Z. Asar bakhshiye rahkar haye tabavari bar salamat ravani va ezzat nafs koodakan kar [The effectiveness of resilience strategies on the mental health and self-esteem of working children] [Thesis for MSc]. [Tehran, Iran]: Islamic Azad University, Central Tehran Branch; 2014. [Persian]



[ Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2025-07-15 ]

6. Nicolella A, Kassouf AL. The effect of child labour on children's health in Brazil. Int J Soc Econ. 2018;45(2):357–71. https://doi.org/10.1108/IJSE-10-2016-0292
7. Aransiola TJ, Justus M. Child labor hazard on mental health: evidence from Brazil. J Ment Health Policy Econ. 2018;21(2):49–58.
8. Jordan CH, Zeigler-Hill V. Fragile self-esteem. In: Zeigler-Hill V, Shackelford TK; editors. Encyclopedia of personality and individual differences. Cham: Springer; 2020. https://doi.org/10.1007/978-3-319-24612-3_1131
9. Peterson AV. Choice theory and reality therapy. TCA Journal. 2000;28(1):41–9. https://doi.org/10.1080/15564223.2000.12034563
10. Glasser W. Daramadi bar ravanshenasi omid teory entekhab [An introduction to the psychology of choice theory hope]. Sahebi A. (Persian translator). Tehran: Sayeh Sokhan; 2021.
11. Seadatee Shamir A, Najmi M, Haghshenas Rezaeeyeh M. The effectiveness of reality therapy training on marital engagement and marital engagement in married students in Azad university. Journal of Research in Educational Science. 2018;12:563–669. [Persian] http://www.jiera.ir/article_65019.html?lang=en
12. Yadolahi Saber F, Ebrahimi MS, Zamani N, Sahebi A. The effect of choice theory training on responsibility and hopefulness of female students Islamic Azad university Hamedan. Social Cognition. 2019;8(1):165–74. [Persian] https://sc.journals.pnu.ac.ir/article_5767.html?lang=en
13. Beatson NJ, Berg DAG, Smith JK. The impact of mastery feedback on undergraduate students' self-efficacy beliefs. Studies in Educational Evaluation. 2018;59:58–66. https://doi.org/10.1016/j.stueduc.2018.03.002
14. Schultz DP, Schultz SE. Theories of personality. Seyed Mohammadi Y. (Persian translator). Tehran: Virayesh Pub; 2013.
15. Crane W. Nazariye haye roshd [Growth theories]. Khoy Nezhad Gh, Rajaei Gh. (Persian translator). Tehran: Roshd Publications; 2000.
16. Ghaedi Y. Mabani nazari falsafe baraye koodakan [Theoretical foundations of philosophy for children]. Tehran: Meraat; 2016. [Persian]
17. Östlin P, Schrecker T, Sadana R, Bonnefoy J, Gilson L, Hertzman C, et al. Priorities for research on equity and health: towards an equity-focused health research agenda. Plos Med. 2011;8(11):e1001115. https://doi.org/10.1371/journal.pmed.1001115
18. Zahedi Asl M. Social damages from the social work approach. Tehran: Allameh Tabatabai University Press; 2014. [Persian].
19. Gregory M, Brubaker N. Philosophy for children: practitioner handbook. Montclai, NJ: Montclair State University; 2008.
20. Ghadmayari M, Malekpour B, Rashidpour R. Barrasiye ertebat amoozesh falsafe baraye koodakan dar tarbiat shahrvand jahani [Investigating the relevance of philosophy education for children in global citizen education]. In: The fourth conference of the Philosophy of Education Association of Iran. Mashhad; 2013. [Persian]
21. Paine MR. The pedagogy of philosophy for children/philosophical enquiry [Thesis for MSc]. [Heslington, York]: University of York; 2012.
22. Karikó S. The new responsibility and challenge of education: the current and prospective situation of philosophy for children. Practice and Theory in Systems of Education. 2016;11(2):105–17. http://dx.doi.org/10.1515/ptse-2016-0013
23. Abdolahzadeghan R, Sardary B. Effectiveness of teaching philosophy to children on students' creative self-efficacy and self-determination. Tafakor va Kudak (Thinking and Children). 2022;13(2). [Persian] https://fabak.ihcs.ac.ir/article_7685.html?lang=en
24. Glasser W. Warning: Psychiatry can be hazardous to your mental health. NewYork: HarperCollins Publishers; 2003.
25. Gorbanalipour M, Najafi M, Alirezalo Z, Nasimi M. The effectiveness of reality therapy on happiness and hope in divorced women. Family Counseling and Psychotherapy. 2014;4(2):297–317. [Persian] https://fcp.uok.ac.ir/article_9672.html?lang=en
26. Ng JH, Page A. Revised reality therapy: a new intervention to help boost self-esteem in malaysian secondary schools. In Jegathesan A, Abdullah S; editors. Multicultural counseling applications for improved mental healthcare services. IGI Global; 2019, pp. 64-83. https://doi.org/10.4018/978-1-5225-6073-9.ch004
27. Berber Çelik Ç, Odacı H. Psycho-educational group intervention based on reality therapy to cope with academic procrastination. J Rat Emo Cognitive Behav Ther. 2018;36(3):220–33. https://doi.org/10.1007/s10942-017-0283-1
28. Delavar A. Mabani nazari va amali pazhouhesh dar oloume ensani va ejtemaee [Theoretical and practical foundations of research in the humanities and social sciences]. Tehran: Roshd Publication; 2020. [Persian]
29. Mergler A, Shield P. Development of The Personal Responsibility Scale for Adolescents. J Adolesce. 2016;51(1):50–7. https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2016.05.011

[ Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2025-07-15 ]

30. Jowkar H, Fooladchang M, Anjomshoa MR, Korhani N. The study of the reliability and validity of Personal Responsibility Scale for Adolescents. Rooyesh. 2019;8(10):161–70. [Persian] http://frooyesh.ir/article-1-1572-en.html
31. Schwarzer R, Jerusalem M. General Self-Efficacy Scale. American Psychological Association; 1995. https://doi.org/10.1037/t00393-000
32. Rajabi Gh. Barrasiye payayi va revaei meghyas bavar haye khodkaramadi omoumi (GSE-10) dar daneshjooyan ravan shenasi daneshkade oloom tarbiati va ravan shenasi daneshgah shahid Chamran Ahvaz va daneshgah Azad Marvdasht [Reliability and validity of the General Self-Efficacy Beliefs Scale (GSE-10) comparing the psychology students of Shahid Chamran niversity and Azad university of Marvdasht]. New Thoughts on Education. 2006;2(1–2):111–22. [Persian] https://doi.org/10.22051/jontoe.2006.287
33. Amani A. The efficacy of reality therapy on marital commitment and self esteem of couples. Family Counseling and Psychotherapy. 2015;5(2):1–22. [Persian] https://fcp.uok.ac.ir/m/m/article_15723.html?lang=en
34. Cam P. Thinking stories 3: philosophical stories for children and teacher resource/activity book. Shahrtash F, Ebrahimi Looyeh N. (Persian translator). Tehran: Shahrtash Publications; 2006.
35. Abdolahzadeghan R, Sardary B. Effectiveness of teaching philosophy to children on students' creative self-efficacy and self-determination. Tafakor va kudak (Thinking and Children). 2023;13(2). [Persian] https://fabak.ihcs.ac.ir/article_7685.html?lang=en
36. Glasser W. Choice theory. Rahmanian N. (Persian translator). Tehran: Ashian Pub; 2006.
37. Tabatabai Nia S. Asar bakhshiye vagheiyat darmani gorouhi bar tabavari va shadkami danesh amoozan motavasete shahre Shiraz [Effectiveness of group reality therapy on the resilience and happiness of high school students in Shiraz] [Thesis for MSc]. [Marvdasht, Iran]: Islamic Azad University, Marvdasht Branch; 2005. [Persian]
38. Hashemi Shirazi L. Asar bakhshi vagheiat darmani gorouhi bar ezterab va ezzat nafs danesh amoozan dokhtar motavasete [The effectiveness of group reality therapy on anxiety and self-esteem of high school female students] [Thesis for MSc]. [Marvdasht, Iran]: Islamic Azad University, Marvdasht Branch; 2014. [Persian]
39. Rahdar A. Tasire amoozeshe falsafe be koodakan dar khodkaramadi, khoshbini, shadi va tafakor enteghadi [The effect of teaching philosophy to children on self-efficacy, optimism, happiness and critical thinking]. [Sistan and Baluchestan, Iran]: University of Sistan and Baluchestan; 2016. [Persian]
40. Trickey S, Topping KJ. Collaborative philosophical enquiry for school children socio-emotional effects at 11 to 12 years. School Psychology International. 2006;27(5):599-614. doi.org/10.1177/0143034306073417
41. Tajali Nia A, Heibati S. The community of inquiry, an approach for enhancing Creativity. J Educ Manage Stud. 2014;4(3):527–44.
42. Lipman M. Critical thinking, what can it be? Educational Leadership. 1988;40(1):38-43.
43. Trickey S, Tapping KT. Philosophy for children: a systematic rview. Research Papers in Education. 2004;19(3):365-80. https://doi.org/10.1080/0267152042000248016
44. Sahebi A, Soltani Far A. Invitation to responsibility. Tehran: Saye Sokhan Pub; 2016. [Persian]

[ Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2025-07-15 ]